
مجموعه آثار مولیر

دیبر مجموعه: دکتر قطب الدین صادقی

آقای دو پورسونیاک

پرهام آل داود - نیما قدرتی

اراست، در حال رهبری ارکستر بزرگی از خوانندگان و نوازندگان، نمایش را با اجرای یک ترانه آغاز می‌کند. سه خواننده اشعار مربوط به موضوع نمایش را، که بیانگر احساسات دو عاشق است، به شیوه دیالوگ می‌خوانند. دو عاشقی که با وجود نزدیکی‌شان، بلهوسی والدین آن‌ها را از هم جدا کرده است.

صدای نخست

فروریز شب دلریا، بر تمام چشمان جهان فروریز
از گل‌های کوکنارت آن تلخی گوارا
مگذار بیدار بمانند در این صحن دل‌انگیز
جز قلب‌هایی که بر آن‌ها عشق دارد استیلا.
سایه‌ها و سکوت
زیباتر از زیباترین روز
لحظه‌های شیرین را گره می‌زند به ناله‌های
جانسوز.

صدای دوم

از عشق ناله کردن
چه خوش باشد

آن دم که چیزی سد آمالمان نباشد!
 قلبمان ما را در نشیبی دلپذیر می‌کند رها
 ولی وجودمان را مدیونیم به خودکامه‌ها.
 از عشق ناله کردن
 چه خوش باشد
 آن دم که چیزی سد آمالمان نباشد!

صدای سوم

هر که مخالف‌خوان عشق باشد
 عشق خالص شکستش می‌دهد
 وز برای فتح دنیا
 عاشقی بس بوده ما را.

هر سه صدا با هم

دوست بداریم یکدگر را با آتشی جاودانه
 قدرت والدین، پابند بیدادگرانه
 فراق، مرارت، سرنوشت یاغیانه
 دم می‌زند بر آتش عشق خالصانه.
 دوست داریم یکدگر را با آتشی جاودانه
 وقتی دو قلب را هوای یکدگر است
 باقی همه هیچ است و بی‌ثمر.

پس از ترانه، دو غلام بچه رقصی را آغاز می‌کنند
 که در حین آن چهار تماشاچی حاضر شروع به
 مشاجره می‌کنند و شمشیر به دست می‌گیرند.
 پس از نبردی جالب توجه، دو سونبسی آن‌ها را از
 هم جدا می‌کنند و پس از آشتی دادنشان، همه
 به نوای سازها می‌رقصند.

پرده اول

صحنه یک

ژولی، اراست، نرین.

ژولی: خدای من، اراست، مراقب باشیم مچمان را نگیرند،
 می‌ترسم ما را با هم ببینند و همه چیز از دست برود،
 به خصوص بعد از اینکه مرا از دیدنتان منع کرده‌اند.
 همه طرف را می‌پایم، چیزی به چشم نخورده.
 نرین، خوب حواست به اطراف باشد، مراقب باش
 کسی نیاید.

نرین: پشتتان به من گرم باشد، با خیال راحت هرچه دارید
 به هم بگویید.

ژولی: اراست، آیا چاره‌ای برای این ماجرا اندیشیده‌اید؟
 فکر می‌کنید بتوانید این ازدواج فلاکت‌بار را از ذهن
 پدرم بیرون کنید؟

اراست: درهرحال تمام تلاشمان را در این راه می‌کنیم. تا

ژولی

اراست
 ژولی

نرین

ژولی

اراست